

<div><div><span><span> </span></span></div><span></span></div>	پنجشنبه ۲۸ خرداد ۱۴۰۵
	وطن‌امروز   شماره ۴۶۳۹
<div><span>[</span> <b>ایران</b> <span>]</span></div>	
گزارش	

توضیحات
قالیباف درباره اهمیت شراکت راهبردی با شرق در اتاق بازرگانی ایران

## حالا نوبت چین است



رئیس مجلس و نماینده ویژه کشورمان در امور چین، دیروز با اعضای اتاق بازرگانی ایران جلسهای مهم برگزار کرد؛ جلسهای که در آن محمدباقر قالیباف با اشاره به اهمیت مناسبات راهبردی ایران و چین- آن هم پس از جنگ تحمیلی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران، درباره اهمیت و نتایج شراکت راهبردی جدید تهران و پکن گفت. در این جلسه که با حضور جمعی از نمایندگان تشکل‌ها، اعضای کمیسیون اقتصادی اتاق بازرگانی و مدیران ارشد اقتصادی کشور برگزار شد، قالیباف با اشاره به مسؤولیت جدید خود در حوزه روابط با چین گفت: وقتی به سابقه روابط اقتصادی و همکاری‌های مشترک با چین نگاه می‌کنیم، می‌بینم در بسیاری از حوزه‌ها نتوانسته‌ایم به نتایج مطلوب دست یابیم. بنابراین باید صادقانه بررسییم اشکال کار کجاست و چه کسی قرار است این مشکلات را حل کند؟

وی با تأکید بر ضرورت اصلاح زیرساخت‌های اقتصادی و مالی برای ارتقای روابط با چین اظهار کرد: بدون تردید در این مسیر نیازمند ایجاد یک نظام مالی و طراحی و اجرای سازوکارهای عمیق، دقیق و گسترده در حوزه لجستیک، حمل‌ونقل، فناوری و زیرساخت هستیم و باید بتوانیم در یک اکوسیستم مشترک، از آموزش گرفته تا بازار و زنجیره‌های تأمین، با شُرکای خود بویژه چین، پیوند برقرار کنیم. تحقق این هدف مستلزم آن است که ۲ کشور در ابعاد مختلف اقتصاد، به یکدیگر متصل شوند.

رئیس مجلس شورای اسلامی ادامه داد: من جزو مدیرانی نیستم که بگویم تحریم یک کاغذ پاره است. ما در ابتدای دهه ۸۰ رشد اقتصادی ۱۲ درصدی بخش صنعت را تجربه کردیم و امروز را هم مشاهده می‌کنیم اما اگر معنای رفع تحریم این باشد که بخوایم تسلیم شویم، هرگز چنین کاری نخواهیم کرد و ملت ایران و همه مسؤولان کشور نشان داده‌اند جان‌شان را می‌دهند اما اهل تسلیم نیستند.

وی تصریح کرد: من امروز به اینجا آمدم تا بگویم همه ما باید سننگری را که در اختیار زرمندگان میدان بود، تحویل بگیریم و بایستیم و مردم را از زیر فشارهای اقتصادی خارج کنیم و کشور را با قدرت بسازیم.

قالیباف با بیان اینکه جایگاه چین منحصربه‌فرد است، گفت: چین باید باور کند و باور خواهد کرد ما فقط یک مشتری یا همتای تجاری نیستیم، بلکه یک شریک به تمام معنا هستیم. وی افزود: با توجه به شرایط منطقه، دوستان به دقت گفتند ما نیازمند شکل‌گیری بلوک‌های جدید (اتلاف‌های منطقه‌ای) هستیم، البته این بلوک‌ها تا حدی نیز شکل گرفته‌اند و در هر بلوکی که در آینده شکل بگیرد، ۲ کشور ایران و چین حضور قطعی خواهند داشت و محور بلوک‌بندی‌ها خواهند بود.

وی ادامه داد: تنظیم سیاست‌ها و چینش این همکاری‌ها در حوزه مأموریت‌های محوله بر عهده ماست و به همین دلیل از شما می‌خواهم در این میدان حضور جدی داشته باشید.

وی اظهار کرد: از همین رو، امروز در این نشست حضور پیدا کردم، زیرا معتقدم تأخیر حتی ساعتی در این موضوع، ظلم به کشور و مردم است. از سوی دیگر همه باید ببینند ایران نه‌تنها در حوزه‌های سیاسی و امنیتی، بلکه در حوزه اقتصاد نیز کشوری قدرتمند است.

قالیباف افزود: در گفتن این سخن تعارف نمی‌کنم؛ شما بهتر از من می‌دانید ایران واقعاً بهشت سرمایه‌گذاری است. حتی اگر کشور ما معدن و نفت هم نداشت، صرفاً موقعیت ژئوپلیتیکی و جغرافیای سیاسی آن به تنهایی کفایت می‌کرد تا بتوانیم کشور را در بهترین و بالاترین شرایط اداره کنیم. این سخن را بر اساس مطالعه و تجربه می‌گویم. دست‌کم ۲۰ سال در حوزه جغرافیای سیاسی مطالعه، تدریس و فعالیت داشته‌ام و از نزدیک این موضوعات را دنبال کرده‌ام.

نماینده ویژه کشورمان در امور چین ادامه داد: با کمک شما باید داشبوردی طراحی کنیم که هر روز بتوانم نبض اقتصادی و روابط ایران و چین را در آن مشاهده کنم، اشکالات را ببینم و آنها را به شما منتقل کنم و شما نیز مسائل را به ما منتقل کنید تا بتوانیم با همکاری یکدیگر مشکلات را برطرف کنیم.

رئیس مجلس شورای اسلامی در پایان تأکید کرد: در حوزه روابط خارجی، اولویت اصلی ما چین در بخش اقتصاد است؛ هرچند در سایر حوزه‌ها نیز فعال هستیم اما در همه ابعاد، اقتصاد در اولویت نخست قرار دارد.

**ترامپ و معاونش ونس رسما پروژه براندازی نظام سیاسی ایران و بازگشت پهلوی را انکار کردند**

# عاقبت وطن‌فروشی

پس از پایان جنگ ۴۰ روزه و تقاضم آمریکا با ایران برای پایان دادن به جنگ، حالا نوبت به اظهارات صریح و بی‌پرده مقامات ارشد آمریکا رسیده تا آخرین میخ را بر تابوت آرزوهای واهی اپوزیسیون

خارج‌نشین، بویژه جریان تروریست سلطنت‌طلب و حامیان ربع پهلوی بگویند. این جریان که سال‌ها با لابی‌گری گسترده در واشنگتن و تل‌آویو، خود را ال‌ترناتیو و نماینده مشروع مردم ایران جا زده بود، رؤیای بازگشت به قدرت از طریق دخالت نظامی خارجی را به عنوان تنها راه نجات خود می‌دید اما اظهارات اخیر دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا و جی‌دی ونس، معاون او، مانند تیر خلاصی عمل کرد که نه‌تنها این رؤیابا را بر باد داد، بلکه ماهیت وابسته و متوهم این گروه‌ها را بیش از پیش آشکار کرد.

ونس روز گذشته در گفت‌وگوی زنده و آنلاین با برنامه مگین کلی، با صراحت تمام خط بطلان بر انتظارات سلطنت‌طلبان کشید.او گفت: «ترامپ هیچ‌وقت نخواست ما می‌خواهیم رضا پهلوی را به عنوان رهبر جدید ایران منصوب کنیم. چیزی که او گفت این بود که اگر مردم ایران می‌خواهند با خیزنده مربوط به خودشان است. چیزی که برای ما مهم است، پایان برنامه هسته‌ای ایران است.» این سخنان که مستقیما به یکی از اصلی‌ترین توهمات اپوزیسیون اشاره داشت نشان‌دهنده تغییر اولویت‌های سیاست خارجی آمریکا پس از جنگ اخیر علیه ایران است. معاون رئیس جمهور آمریکا تأکید کرد واشنگتن به دنبال مهندسی تغییر رژیم از بیرون نیست و هرگونه تحول داخلی باید توسط خود ایرانیان رقم بخورد. این موضع، عملا هرگونه وعده یا اشاره قبلی مبنی بر حمایت از پهلوی را انکار کرده و سلطنت‌طلبان را در موقعیتی کاملاً بی‌دفاع قرار داده است.

یک روز قبیل از این اظهارات ونس نیز خود ترامپ در مصاحبه‌ای مفصل با روزنامه وال‌استریت ژورنال ادعا کرد هرگز هدفش تغییر رژیم ایران نبوده‌است.وی صراحتاً گفت تغییر رژیم جواب نمی‌دهد و چنین رویکردهایی معمولاً منجر به هرج و مرج، بی‌ثباتی منطقه‌ای و ظهور گروه‌های افراطی می‌شود. ترامپ با اشاره به تجربیات گذشته آمریکا در عراق، لیبی و افغانستان، تأکید کرد دخالت مستقیم برای سرنگونی رژیم‌ها نه‌تنها هزینه‌های هنگفتی دارد، بلکه اغلب نتیجه معکوس می‌دهد. او اولویت سیاست خود را «آرامش سریع، جلوگیری از خلأ‌قدرت و تمرکز بر برنامه هسته‌ای ایران» دانست. این اظهارات که با لفاظی‌های دوران جنگ او تفاوت فاحشی داشت، مهر تأییدی بود بر پایان پروژه براندازی در ایران.

این ۲ موضع‌گیری پی در پی، موجی عظیم از ناامیدی، سرخوردگی و حتی خشم را در اردوگاه اپوزیسیون ضدایرانی ایجاد کرده است. گروه‌هایی که ماه‌ها در رسانه‌های پارسی‌زبان

ترامپ روز گذشته پس از گذشته ۷ در فرانسه، در سخنانی با اهالی رسانه، درباره موضوعات مختلف از جمله تفاهمنامه پایان جنگ با ایران اظهارنظر کرد.

به گزارش «وطن‌امروز»، وی در بخشی از اظهاراتش درباره این تفاهمنامه، به دسترسی ایران به اموال بلوک‌مشدانش اشاره کرد و در اظهار نظری قابل تأمل گفت این اموال باید به ایران داده شود. رئیس جمهور آمریکا در این باره اظهار داشت: مقدار بسیاری پول از آنها گرفته‌ایم. این پول ما نیست، پول آنهاست و ما آن را در یک مقطع زمانی خاص مسدود کرده‌ایم. فکر می‌کنم باید آن را پس بدهیم. اگر آن را پس ندهیم، هیچ کس دیگر هرگز در دلال سرمایه‌گذاری نخواهد کرد.

این اظهارنظر ترامپ، مربوط به یکی از مفاد مهم تفاهمنامه پایان جنگ میان ایران و آمریکا‌ست. بر اساس این بند تفاهمنامه، آمریکا باید اجازه دهد ایران به ۲۴ میلیارد دلار از اموال بلوک‌مشدانش دسترسی پیدا کند. بسیاری از کارشناسان تصور می‌کردند وی در اجرای این تعهد سر باز می‌زند. ترامپ پیش از این بارها از دولت ایوما با خاطر پرداخت ۷،۱ میلیارد دلار اموال بلوک‌ه‌شده ایران در توافقی برجام انتقاد کرده

خارج و شبکه‌های اجتماعی، پیروزی قریبالوقوع آمریکا بر ایران با شورش داخلی با حمایت آمریکا را تبلیغ می‌کردند، اکنون با واقعیتی تلخ مواجه شده‌اند: کارت‌شان سوخته و واشنگتن دیگر هیچ سرمایه‌گذاری سیاسی‌ای بر آنها ندارد؛ بویژه سلطنت‌طلبان حامی ربع پهلوی که در تمام مدت جنگ با تجمعات چند ده نفره‌شان در لندن، واشنگتن و برلین، انتظار داشتند پس از پیروزی نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی بر ایران، قدرت به دست دیکتاتورزاده پهلوی بیفتد. اکنون احساس خیانت عمیقی می‌کنند. آنها معتقدند آمریکا و صهیونیست‌ها با وعده براندازی جمهوری اسلامی در ایران، فریب‌شان دادند و حالا نتهای‌شان گذاشته‌اند. این حس خیانت، در پست‌ها و کامنت‌های شبکه‌های اجتماعی این جریان به وضوح دیده می‌شود؛ جایی که از «دروغ بزرگ ترامپ» و «خیانت نتانیاهو» می‌گویند.

■ **جنگ سوم تحمیلی؛ پروژه براندازی پنهان پشت عملیات نفظمی**

جنگ ۴۰ روزه‌ای که از ۹ اسفند با حملات گسترده آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران آغاز شد و تا ۱۹ فروردین ادامه یافت، هرگز صرفاً یک عملیات نظامی محدود برای نابودی توانمندی موشکی و هسته‌ای نبود. این جنگ، پروژه‌ای جامع برای براندازی جمهوری اسلامی و در نهایت تجزیه ایران را نیز در دل خود داشت. ترورهای هدفمند، از جمله شهادت رهبر حکیم انقلاب اسلامی و تعدادی از فرماندهان ارشد نیروهای مسلح، بخشی از استراتژی «شوک و فرروپاشی از درون» بود. هدف این بود که با ایجاد خلأ رهبری، انسجام نظام را از بین ببرند و زمینه را برای شورش داخلی فراهم کنند.

درست ساعاتی پس از آغاز حملات، ترامپ ویدئویی ۸ دقیقه‌ای خطاب به مردم ایران منتشر کرد. در این ویدئو، او با لحنی تحریک‌آمیز گفت: «من آن رسیده‌ام که مردم ایران دست به کار شوند و دولت‌شان را بگیرند. این آخرین فرصت شماست.» ترامپ وعده داد کمک در راه است و تأکید کرد نروغ‌های آمریکایی و اسرائیلی کار مقدماتی را انجام داده‌اند و حالا نوبت شورش مردمی است. او حتی به گروهک‌های اپوزیسیون اشاره کرد و گفت کسانی که سال‌ها برای آزادی ایران تلاش کرده‌اند، باید این لحظه را غنیمت بشمارند. ترامپ در روز دوم جنگ نیز با انتشار فیلمی خطاب به اپوزیسیون ضدایرانی گفت: «هن از همه میهن‌پرستان ایرانی که آرزوی آزادی دارند می‌خواهم که از این لحظه استفاده کنند. شجاع باشند، شجاع باشند، قهرمان باشند و اکنون کشور خود را پس بگیرند. آمریکا با شماست.» او خطاب به نیروهای مسلح ایران هم گفته بود: «من بار دیگر از سپاه پاسداران، ارتش و نیروی انتظامی ایران می‌خواهم سلاح‌های خود را زمین بگذارند و مصونیت کامل بگیرند، اگر نه با مرگ حتمی مواجه خواهند شد.»

این سخنان، همراه با دعوت‌های مکرر پیش از جنگ از گروهک‌های تروریست اپوزیسیون برای آماده‌سازی مردم، ذهنیت

**ترامپ با عقب‌نشینی از مواضع گذشته خود درباره دسترسی ایران به اموال بلوک‌ه‌شده‌اش:**

## باید پول ایرانی‌ها را پس بدهیم

بود. با وجود این انتقاد، حالا خود ترامپ ناگزیر شد ۲۴ میلیارد دلار اموال بلوک‌ه‌شده ایران را آزاد کند. این یکی از مهم‌ترین دستاوردهای ایران از تفاهمنامه پایان جنگ با آمریکا‌ست.

■ **ایران باید موشک داشته باشد**

یکی دیگر از موضوعاتی که رئیس جمهور آمریکا دیروز درباره آن اظهار نظر کرد، برنامه دفاع موشکی ایران بود. در حالی که ترامپ پیش از جنگ ۴۰ روزه علیه ایران بارها اعلام کرده بود یکی از شروط او برای توافق با تهران، محدود شدن برنامه موشکی ایران است و حتی در زمان جنگ نیز مدعی شده بود تا زمانی که این برنامه تعطیل نشود، جنگ را متوقف نخواهد کرد، درحالی‌در چرکنشی ۱۸۰ درجای تصریح کرد ایران باید برنامه موشکی داشته باشد.

وی در این باره اظهار داشت: ما روی یک تلاش موازی با کشورهای حوزه خلیج افراسا[ا کار خواهیم کرد تا به مسائل غیرهستهای مانند موشک‌ها، بالستیک متعارف که دربارشان صحبت خواهیم کرد و حمایت‌ها بپردازیم. وی افزود: کسی می‌گفت «شما نباید حتی یک موشک هم به آنها بدهید». برخی از این ادعاها را دوست دارم اما



محکمی در میان اپوزیسیون خارج‌نشین ایجاد کرد که جنگ، صرفاً مقدمه‌ای برای تغییر رژیم، و به قدرت رسیدن آنهاست.

در نتیجه، بسیاری از این گروهک‌ها به‌خصوص حامیان پهلوی، باطن ضدایرانی و ضدمیهنی خود را بدون پرده‌پوشی به نمایش گذاشتند. هر حمله به تأسیسات نظامی یا شهرهای ایران و شهادت مردم مظلوم، با پست‌های شادمانی، ویدئوهای جشن و هشتک‌های «اللاخره» در شبکه ایکس و اینستاگرام همراه بود. تجمعاتی در شهرهای اروپا و آمریکا برگزار شد که در آنها پرچم‌های منحوس رژیم صهیونیستی و آمریکا در کنار پرچم شیر و خورشید دیده می‌شد. این تصاویر، برای ایرانیان، نمادی از خیانت آشکار بود.

اما آنچه در میدان رخ داد، کاملاً با این توهمات متفاوت بود. جمهوری اسلامی علی‌رغم تحمل ضربات سنگین و شهادت‌های دردناک، نه‌تنها دچار فروپاشی نشد، بلکه با انسجام مثال‌زدنی، مقاومتی ۴۰ روزه را رقم زد؛ و نیروهای مسلح با حفظ توان عملیاتی، ضربات مؤثری در دشمن آمریکایی – صهیونیستی وارد کرد. این یاداری، محاسبات واشنگتن را به هم ریخت و نشان داد پروژه براندازی، حتی با حمایت تمام‌عیار نظامی، شکست خورده است.

با این حال، در اوج عملیات‌های ترور موفق، ترامپ سرمست از پیروزی‌های تاکتیکی، در چند اظهار نظر مدعی شد تغییر رژیم عملاً اتفاق افتاده و رژیم در حال مرگ است. اپوزیسیون نیز با همین خیال باطل، به جشن و پایکوبی پرداخت و ضدیت با ایران را به اوج رساند اما این شادی، بسیار زود گذر بود.

■ **از اوج شوق به دره ناامیدی و حس خیانت**

حالا همه آن هیجان و شوق وطن‌فروشی، و به ناامیدی مطلق و حس عمیق خیانت تبدیل شده است. رسانه‌های پارسی‌زبان خارج‌نشینش که در طول جنگ نقش اصلی را در تطهیر تجاوز، پخش اخبار حملات به ایران و تشویق به شورش ایفا می‌کردند - از اینترنشنال و بی‌بی‌سی فارسی تا منوتو و صدای آمریکا - اکنون چرکنشی ۱۸۰ درجهای کرده‌اند و رو به انتقاد تند از ترامپ آورده‌اند.

می‌شد. این اظهارات ترامپ یک عقب‌نشینی آشکار از مواضع و ادعاهای پیشینش علیه ایران است. در واقع این اظهارات وی روایت پیروزی ایران از زبان رئیس جمهور آمریکا‌ست.

■ **امضای الکترونیکی**

روز گذشته برخی منابع رسانه‌ای آمریکایی از احتمال لغو نشست روز جمعه میان ایران و آمریکا در سوئیس برای امضای تفاهمنامه پایان جنگ خبر دادند. سخنگوی وزارت امور خارجه در واکنش به انتشار این ادعا اعلام کرد هنوز تغییری در اصل برگزاری این برنامه ایجاد نشده است.

از سوی دیگر اسماعیل بقالی در اظهار نظری دیگر گفت احتمال امضای این تفاهمنامه میان رؤسای جمهور ایران و آمریکا نیز مطرح است.

این در حالی است که بر اساس شنیده‌های خبرنگار «وطن امروز»، یکی از پیشنهادات درباره این تفاهمنامه، امضای آن توسط رؤسای جمهور ۲ کشور آن هم به صورت الکترونیکی است. اگر این پیشنهاد نهای شود، احتمالاً همه یا به‌ویژه سفر نخواهند کرد و هر کدام از طرفین در کشور خود، متن تفاهمنامه را به صورت الکترونیکی و دیجیتالاً امضا خواهند کرد.

**جهاد سازندگی؛ میراث امام خمینی در روزهای جنگ سوم تحمیلی**

## جهاد سازندگی؛ از یک نهاد تا یک فرهنگ

به نیرویی سازمان‌یافته تبدیل می‌کنند. اهمیت این مساله در جنگف سوم تحمیلی بیش از هر زمان دیگری آشکار شد. جنگ فقط در خطوط نبرد جریان نداشت. جنگ، زندگی روزمره مردم را نیز به‌شدت قرار داد. در چنین وضعیتی، گروه‌های جهادی بار دیگر نشان دادند واران حقیقی سنت جهاد سازندگی هستند. آنان در امدادرسانی، آواربرداری، پشتیبانی اجتماعی، کمک به خانواده‌های آسیب‌دیده، توزیع اقلام ضروری، ساماندهی نیروهای داوطلب و حفظ آرامش اجتماعی نقش آفرینی کردند. بسیاری از خدماتی که در شرایط عادی ممکن است چندان به چشم نیاید، در روزهای جنگ به بخشی از امنیت ملی تبدیل می‌شود. تأمین نیازهای مردم، جلوگیری از اختلال در زندگی روزمره و تقویت امید اجتماعی، همه‌از جمله عرصه‌هایی بود که نیروهای جهادی در آن حضور مؤثر داشتند. در جریان جنگ رمضان بیش از ۱۸ هزار گروه جهادی به صورت مستقیم در کف میدان حضور یافتند و در قالب شبکه‌های محلی و محله‌محور به پشتیبانی از مردم پرداختند. نکته جالب آنکه در جریان دفاع مقدس سوم، ۱۲ هزار گروه جهادی جدید ثبت شدند. این جهش کمسابقه‌نشان می‌دهد قالب فعالیت جهادی، برای بسیاری از مردمی که انگیزه دفاع از کشور را داشتند، مطلوب بود و با پیوستن به گروه‌های جهادی به خدمتگزاری پرداختند. در حال حاضر بیش از ۶۲ هزار گروه جهادی در کشور فعالیت می‌کنند و این یعنی ما با یکی از بزرگ‌ترین سازمان‌یافتگی‌های اجتماعی و داوطلبانه کشور مواجه هستیم. میزان اثرگذاری گروه‌های جهادی در حوزه بازسازی و ترمیم خسارت‌های جنگ نیز قابل توجه است. بر اساس اعلام سازمان مدیریت بحران شهر تهران، از مجموع ۴۴ هزار و ۵۰ واحد مسکونی آسیب‌دیده در پایتخت، ۱۷ هزار و ۴۶۸ واحد نیازمند تعمیرات جزئی بوده‌اند که ۶۲ درصد این تعمیرات با همکاری گروه‌های جهادی و محوریت شهرداری‌های مناطق

موتورخانه‌ای بود که آن آتش را به نیروی عمران و آبادانی تبدیل کرد. هزاران جوانی که می‌توانستند صرفاً حامل خاخره انقلاب باشند، به سازندگان راه‌ها، مدارس، شبکه‌های آبرسانی و زیرساخت‌های روستایی تبدیل شدند. در واقع جهاد سازندگی یک فناوری اجتماعی بوده؛ فناوری‌ای برای تبدیل شور و هیجان اجتماعی به کارآمدی و خدمت عمومی.

همین ویژگی باعث شد جهاد سازندگی هیچ‌گاه صرفاً یک نهاد دولتی نباشد. جهاد، بیش از آنکه یک سازمان باشد، نوعی الگوی کنش اجتماعی بوده؛ الگویی که بر مشارکت داوطلبانه، احساس مسؤولیت عمومی و حضور مردم در حل مسائل کشور استوار بود. به همین دلیل نیز پس از حذف نام جهاد سازندگی از ساختار رسمی دولت، روح آن در قالب‌های جدید یعنی گروه‌های جهادی، به حیات خود ادامه داد.

در دهه‌های بعد، هر گاه کشور با بحران بزرگی مواجه شد، این روح جهادی دوباره به میدان آمد. در زلزله بم، در زلزله کرمانشاه، در سیل گلستان و خوزستان و لرستان، در بحران‌های طبیعی متعدد و حتی در روزهای سخت همه‌گیری کووید-۱۹، گروه‌های جهادی از نخستین نیروهایی بودند که در کنار مردم قرار گرفتند. در بسیاری از این رخدادها، بیش از آنکه سازوکارهای رسمی بتوانند خود را با شرایط جدید تطبیق دهد، شبکه‌های مردمی جهادی در میدان حاضر شدند. این تجربه‌ها یک حقیقت مهم را آشکار کرد: دولت‌ها با ساختارهای اداری عمل می‌کنند اما جامعه‌با شبکه‌های اجتماعی تاب می‌آورد. در روزهای بحران، فقط بوجه و بخشنامه نیست که کشور را سرپا نگه می‌دارد، اعتماد عمومی، مشارکت مردمی و آمادگی برای کمک به دیگران، بخش‌هایی از سرمایه اجتماعی هستند که چرخ‌های جامعه را می‌چرخانند. گروه‌های جهادی دقیقاً در همین نقطه نقش آفرینی می‌کنند. آنها میان دولت و جامعه پل می‌سازند و ظرفیت‌های پراکنده مردمی را

<sup>[1]</sup> به نیرویی سازمان‌یافته تبدیل می‌کنند

<sup>[2]</sup> به نیرویی سازمان‌یافته تبدیل می‌کنند